



انتشارات دانشگاه تهران

۱۸۱۰/۱
چاپ هفتم

گیاهان دارویی

جلد اول

دکتر علی زرگری

استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران



انتشارات دانشگاه تهران

۱۸۱۰/۱

گیاهان دارویی

چاپ هفتم

دکتر علی زرگری

۱۳۷۶



Tehran University
Publications
1810/1

Medicinal Plants

by

Dr. ALI ZARGARI

Pharm. D., Ph. D. (Biol.)

Professor of Tehran University

of Medical Sciences

Volume one

Seventh Edition, 1997

ISBN 964-03-3851-6



9 789640 338513

قیمت: ۱۸۰۰۰ ریال

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

www.KitabFarsi.com

جلد اول

گیاهان دارویی

دکتر علی زرگری

استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران

www.KetabFarsi.com

برای بعضی بیماران مانند مبتلایان به بیماری قند و غیره بشمار می‌آیند و یا از آنها مواد روغنی و یا نشاسته‌ای سهل الهضم برای استفاده بیماران در دوره نقاهت و یا تأمین رشد کودک (مانند فکول‌ها) استخراج می‌شود، به تناسب اهمیتی که دارا می‌باشند، به اختصار با تفصیل بیشتر، شرح داده شده است.

اسید است مجموعه حاضر، مورد توجه دانشمندان و علاقمندان قرارگیرد و انتظار دارد اگر نقایصی در آن به چشم می‌خورد، نگارنده را آگاه سازند تا در چاپ‌های آینده در رفع آن بکوشد. وظیفه خود می‌دانم که از همکاری‌های مداوم و ارزنده بانو مرضیه ذاکری، در نامگذاری گیاهان ایران در سوزهای گیاه شناسی پاریس، ژنو و هرباریوم کیو در لندن و از کمک‌های علمی و مؤثر ایشان در تنظیم نوشته‌های این کتاب و تطبیق نامگذاری نمونه‌های گیاهی و همچنین از فرزندانم، رؤیا، راسین و پیمان زرگری که در جمع آوری گیاهان از نواحی مختلف کشور سهم بزرگی داشته‌اند سپاسگزاری نمایم.

از همکاری‌های صمیمانه آقای رحیم فروزی در ارسال مجلات علمی مختلف، که سالها در سراز علمی خارج از کشور و مؤسسات معتبر تولید دارو، به کار و بررسی‌های علمی اشتغال داشته‌اند و هم اکنون نیز این بررسی‌ها را ادامه می‌دهند و همچنین از آقای دکتر حریرچی ریاست سازمان انتشارات و چاپ دانشگاه تهران به مناسبت توجه فراوانی که در چاپ این کتاب همواره سبذول داشته‌اند و از همکاری‌های صمیمانه آقایان حسن ثنائی، جهانگیر قاجاریه، علی ظاهری، محمد کاظم پور، بهرام بیاتی و کارکنان فنی این سازمان که هر یک بنوبه خود کمک‌های مؤثر در چاپ این کتاب نموده‌اند، تشکر می‌نمایم.

توجه به نکات ضروری در استفاده از کتاب

— برای تفکیک گیاهان غیر بومی از انواع بومی، یک علامت ستاره (*) با نام علمی گیاهان غیر بومی همراه شده است تا خواننده در همان نظر اول، از بومی یا غیر بومی بودن گیاهان آگاه شود.

— چون نام‌های علمی برخی از گیاهان، منجمله انواع داروئی آنها، تغییراتی در طی سال‌های اخیر حاصل نموده به طوری که بعضی از آنها به صورت گونه‌های فرعی، یا وارسته و یاسینونیم یک گیاه معین در آمده‌اند و یا آنکه اصولاً در جنس دیگری جای داده شده‌اند، از اینجهت با توجه به اینکه گیاهان مذکور، به همان نام‌های علمی قدیم، مورد شناسائی داروسازان در مراجعه به کتب علمی داروئی مانند کدکس (Codex)، دورول (Dorvault) (کتاب تهیه مواد داروئی کشور فرانسه) و به طور کلی فارماکوپه‌ها می‌باشند، این تصحیح به نحوی انجام گرفته که نام قدیم گیاه، همواره بعد از نام جدید آن آورده شود مگر در موارد معدودی از انواع مهم داروئی، که این تقدم رعایت نشده است تا با این عمل، از بروز هرگونه اشتباه احتمالی جلوگیری به عمل آمده باشد.

— در بعضی کتب علمی، وجود انواع تایید نشده‌ای از گیاهان در نواحی مرزی ایران مخصوصاً در بلوچستان و یا بطور کلی در سایر نواحی کشور ذکر گردیده که احتمالاً ممکن است از طریق نوار مرزی وارد ایران شده، تدریجاً حالت نیمه بومی پیدا کرده باشند و یا آنکه اصولاً به علت داشتن گل‌های زیبا یا معطر و یا داروئی بودن، اقدام به پرورش آنها شده باشد. در اینگونه موارد، پس از ذکر محل رویش گیاه، یک علامت استفهام (?) قرار داده شده و یا بشکولک بودن آن صریحاً ذکر گردیده است.

— در مباحث کتاب، به لغات علمی و اصطلاحات داروئی مختلف برخورد می‌شود که بدون اطلاع از معانی آنها، درک بعضی مطالب برای غالب افراد ممکن است میسر نباشد، از اینجهت در آخر کتاب، فهرستی به ترتیب الفبائی وجود دارد که معانی لغات مذکور و حتی در مورد فراورده‌های داروئی، علاوه بر تعریف، طرز تهیه آنها نیز ذکر شده تا استفاده از کتاب همواره مقدور باشد.

— در چاپ چهارم این کتاب، خلاصه مقالات علمی و فراوان سال‌های اخیر که در مورد گیاهان داروئی و اثرات درمانی آنها صورت گرفته و یا این موارد، در کتب داروئی جدید به چاپ رسیده، با ذکر مأخذ به متن کتاب افزوده شده است تا جدیدترین کار تحقیقاتی، در اختیار علاقمندان قرار گرفته باشد. بدیهی است چون جای دادن اینگونه مقالات و کارهای تحقیقاتی جدید در صفحات اصلی کتابی که در زیر چاپ قرار دارد همیشه میسر نمی‌باشد، این مطالب بناچار در صفحات

آخر هر جلد، بطور جداگانه چاپ می‌گردد تا در چاپ‌های بعدی وارد متن کتاب شود.

— اطلاعات لازم در مورد مشخصات اسانس‌ها و رعایت نکات ضروری در تهیه جوشانده‌ها، دم‌کرده‌ها و غیره و همچنین توضیح مقیاس‌هایی که در این کتاب بکار رفته و راهنمایی در مصرف دارو برای اشخاص بالغ و اطفال و همچنین اغذیه انرژی‌زا، ویتامین‌ها و خواص درمانی بعضی آب‌میوه‌ها و آب‌سبزی‌ها، به تفاوت در صفحات آخر کتاب، قبل از فهرست‌ها آمده است.

— نام مجلات علمی که یک‌کار تحقیقاتی معین در آن به چاپ رسیده و اختصارهایی که از این نظر در کتاب بکار رفته، عیناً با استفاده از آخرین چاپ Merck Index که آن نیز به استثنای موارد محدود، با Chemical Abstracts انطباق دارد، به صورت زیرنویس در مباحث مختلف این کتاب وارد شده است تا بتوان توجه به آن، دسترسی به یک مقاله علمی و یا خلاصه آن همواره میسر شود.

— در کتب علمی و دارویی به زبان انگلیسی، نام الکل‌وئیدها معمولاً مختوم به *ine* (مانند *atropine*, *morphine* و غیره) و نام ترکیبات دیگر مانند گلوکزیدها (نظیر *digitalin*، *strophantia* ...) و غیره مختوم به *in* وارد شده است ولی در کتب دارویی فرانسه، کدکس‌ها *Codex*، *Dorvault* و فیتوتراپی‌ها، نه تنها الکل‌وئیدها، بلکه گلوکزیدها و ترکیبات دیگر نیز معمولاً مختوم به *ine* می‌باشد. در مباحث این کتاب در ذکر اینگونه ترکیبات، از روش اخیر ولی در معرفی نامهای مترادف و تجارتي مواد که بعد از معرفی نام اصلی و بدنبال آن در داخل پراکنش نوشته شده، طبق *مرک ایندکس* و از همان روش پیروی گردیده است که از بین آنها، آنکه حرف اول آن از نوع بزرگ می‌باشد، نام تجارتي ماده مذکور می‌باشد (در مواردی که تعداد نام‌های مذکور زیاد باشد به ذکر چند نوع آنها اکتفا شده است) ضمناً فرمول شیمیائی مواد و وزن ملکولی آنها چون معمولاً با اختلافات جزئی در کتب مختلف وارد شده است، انطباق با کتاب اخیر یعنی آخرین چاپ Merck Index دارد.

— از بین کارهای تحقیقاتی که در یک مورد معین، توسط محققین مختلف در تاریخ‌های متفاوت در مجلات علمی به چاپ رسیده به ذکر نخستین آنها که طبق ترتیب *مرک ایندکس* قدمت بیشتر دارد، اکتفا شده است.

— در مورد ایجاد تبلور، در کتاب چنین وارد گردیده که مثلاً کینامین (*quinamine*) به صورت بلوریه‌های سوزنی‌شکل در بنزن جوشان متبلور می‌شود. در اینجا منظور آن است که کینامین ناخالص، در حلال مناسب مانند بنزن جوشان، پس از پائین آمدن درجه‌گرمای، به حالت خالص و به صورت بلوریه‌های سوزنی‌شکل ته‌نشین می‌شود.

— در مواردی که نام یک محقق یا مؤلف، همراه با شماره صفحه کتاب در داخل پراکنش مشاهده می‌گردد، منظور، کتاب یا اثری است که نام آن مؤلف یا محقق در فهرست کتاب حاضر وارد شده است و اگر بدون ذکر شماره صفحه، در زیر بعضی از تصاویر کتاب مشاهده شود، منظور کتابی است که مؤلف آن، تحت آن نام در فهرست آمده و تصویر مذکور از روی اشکال آن کتاب تهیه شده است.

— در مواردی که نوع الکل، در مباحث این کتاب ذکر نشده، منظور الکل اتیلیک یا اتانول است.

— وجود بعضی ترکیبات گیاهی با ذکر فرمول شیمیائی و مشخصات کامل آنها ممکن است در بعضی کتب دارویی، فیتوتراپی‌ها، مفردات پزشکی و غیره حتی در چاپ‌های جدید، تصریح شده باشد ولی در کتب علمی دیگر، فارماکوپه‌ها و غیره منعکس نباشد و یاقط نام آنها ذکر شده باشد. در این قبیل موارد به شرح کوتاهی از این مواد، با ذکر مأخذ اکتفا گردیده است تا همواره اطلاعات بیشتری در مورد ترکیب شیمیائی مواد مؤثر گیاهان، در اختیار خواننده قرار گرفته باشد.

— به جای کلمه سانتیمتر مکعب، معادل آن یعنی میلی‌لیتر در اندازه‌های حجمی به کار برده شده است.

— نام مواد مؤثر گیاهان که در آنها، حرف *ch* وجود دارد، برحسب آنکه از نام علمی گیاه (لاتین) و یا نام غیر علمی منشاء گرفته باشد به تفاوت، (*ك*) یا (*ش*) خوانده می‌شود که در هر حال برای تلفظ صحیح آنها و همچنین کلماتی که تلفظ نامعلوم دارند و یاد رزبانهای فرانسه و انگلیسی، به صورت متفاوت تلفظ می‌گردند، در این کتاب ضمن رعایت تلفظ آنها به فرانسه، نام خارجی آن ساده مؤثر و یا آن کلمات، به همان نحو که در کتب علمی وارد شده، بعد از نام فارسی آورده شده است.

— برای آنکه پیدا کردن یک گیاه دارویی از روی نام‌های علمی و یا فارسی آن به سهولت میسر شود، این دو فهرست، در آخرین جلد کتاب به طور کامل یعنی سشتمل بر نام‌های کلیه گیاهان نیز آمده است.

برای رده‌بندی گیاهان، روشهای مختلفی وجود دارد که هر یک بر مبنای رعایت مشخصاتی از گیاهان، طرح‌ریزی شده است. چون در چاپ اول و دوم و سوم این کتاب، تیره‌های گیاهی طبق رده‌بندی یواسیه (Boissier) تنظیم شده بود ، در چاپ چهارم نیز از همان رده بندی با توجه به نظریه‌های جدید که تغییرات جزئی را در ترتیب تیره‌ها ایجاد نموده، پیروی شده است.

چاپ چهارم کتاب گیاهان داروئی که اینک از نظر خوانندگان می‌گذرد، علاوه بر آنکه متضمن مطالب جدید است، اسامی گیاهان داروئی یا فراورده‌های آنها را به نامهای فرانسه ، انگلیسی، آلمانی، ایتالیائی و عربی نیز در بر دارد تا پیدا کردن هر گیاه داروئی از روی نامهای خارجی، میسر شود. ضمناً چون نمایاندن تلفظ صحیح بعضی از نامهای عربی در چاپ بدون اعراب دشوار است، به منظور کمک بتلفظ صحیح، با توجه به علامات راهنمای زیر، آن نامها با لاتین نیز نوشته شده است:

a=آ (فتحه)	q=ق	g=ج
i=ا (کسره)	gh=غ	ع=ع
u=أ (ضمه)	kh=خ	sh=ش
â=آ	d=د, ض	y=ی
î=ای	dh=ذ	
û=او	z=ز	
	th=ث	
	h=ه	
	hh=ح	

تیره آلاله Ranunculaceae

گیاهان این تیره عموماً علنی یکساله یا پایا، بندرت دارای اعضای سخت و چوبی و یا به صورت بالا رونده می‌باشند. برگهای آنها متناوب (در بعضی مانند Clematis ها متقابل)، غالباً با بریدگیهای بسیار و گلهای آنها دارای پرچم و مادگی (نر- ماده) و مجتمع به صورت گل آذین‌هائی با ظاهر متفاوت است. هر گل آنها، ۵ کاسبرگ (بندرت بیشتر یا کمتر)، ۴ تا ۸ گلبرگ به اشکال مختلف و تعداد زیادی پرچم دارد. پوشش گل در عده‌ای از آنها منحصراً شامل کاسه است ولی در انواعی از آنها که گل، دارای کاسه و جام بنظر می‌رسد، جام گل از تغییر شکل پرچمها به - گلبرگ و یا پرچمها به اعضای مولد نوش نتیجه می‌شود. که در مورد اخیر، پرچمهای تغییر شکل یافته، کم و بیش ظاهر گلبرگ مانند پیدا می‌کنند. مادگی آنها معمولاً مرکب از برچه‌های زیادی است که هر یک پس از رسیدن، به سببیه‌ای به صورت آکن (فندقه) و یا فولیکول follicule تبدیل می‌گردند.

گیاهان تیره آلاله شامل ۳۰ جنس و متجاوز از ۱۰۰ گونه می‌باشند. در تمام نقاط کره زمین مخصوصاً در نواحی معتدله و سرد نیمکره شمالی پراکنده گی دارند. پیدایش آنها به دوره اتوسن نسبت داده می‌شود.

عده‌ای از گیاهان این تیره دارای الكالوئیدها و گلوکزیدهای سمی و خطرناك در اعضا مختلف خود می‌باشند. برخی دیگر دارای شیره محرك و تاوول‌آور هستند. بعضی از آنها نیز بعلت داشتن گل‌های درشت و زیبا پیوسته در نواحی مختلف پرورش می‌یابند.

از نظر درمانی، Aconitum ها، Adonis ها و Hydrastis ها بیشتر از سایر گیاهان این تیره حائز اهمیت‌اند.

* *Aconitum Napellus* L.

فرانسه: Pistôlet, Capuchon, Coqueluchon, Napel-bleu, Aconit napel

انگلیسی: Blauer Eisenhut, Wolf's bane, Monkshood

ایتالیائی: Erba luparia, Carro di venere, Aconito, Aconito napello

فارسی: اقونیطون - عربی: قاتل النمر، بیش سوش بیشا

گیاهی علنی، پایا و به ارتفاع ۰.۵ تا ۱ متر است. به حالت خودرو در نقاط مرطوب و سایه‌دار غالب نواحی کوهستانی کشور فرانسه، آسیا (همیالیا) و امریکای شمالی تا ارتفاعات

۲۰۰ متری می‌روید بعلاوه امروزه در بعضی نواحی مساعد به منظور استفاده‌های درمانی و یا به عنوان زینت، پرورش می‌یابد.

آکونیت، ریشه ستورم، ضخیم، گوشتدار و ساقه‌ای پوشیده از برگهای بی‌كرك و به رنگ سبز تیره (در سطح فوقانی پهنك) دارد. پهنك برگ آن دارای بریدگیهای متعدد و عمیق است. گل‌های درشت و زیبای آن برنگ آبی (گاهی ارغوانی یاسفید)، نامنظم و مجتمع به صورت خوشه‌ای دراز است.

ریشه آکونیت در تابستان به صورت ستورم در داخل خاک قرار دارد. در کنار این ریشه و مجاور ناحیه یقه، ریشه دیگری شبیه ریشه اصلی، ولی سفید رنگ‌تر و دارای تورم کمتر، ظاهر می‌شود که در انتها به جوانه مولد برگ منتهی می‌گردد. جوانه مذکور در بهار سال بعد، ساقه هوائی و برگهای جدید ایجاد می‌کند و گیاه علیحده‌ای با این عمل بوجود می‌آید.

برگهای تازه و ریشه آکونیت در داروسازی حائز اهمیت است.

برگ و ریشه آکونیت را در زمان گل دادن باید از گیاه جدا کرد و در این عمل نیز باید توجه کافی بکار برد تا در موقع خارج کردن ریشه از خاک، که به صورت غده‌های تورم یافته در آمده‌اند، انواع سنگین‌تر را انتخاب نمود. غده‌های متعلق به گیاه وحشی نیز بر انواع پرورش یافته باید ترجیح داده شود (کدکس). از نکات دیگری که در برداشت محصول باید رعایت گردد آن است که این عمل، قبل از خاتمه گل دادن صورت گیرد.

توکسیکات شیمیائی - در آکونیت، علاوه بر مواد غیر مؤثر نظیر آمیدون، قند، مانیت، اینوزیت و وزین‌های مختلف، الكالوئید مهمی به نام آکونی تین aconitine، همراه با الكالوئیدهای دیگر یافت می‌گردد که همواره به حالت ترکیب با اسید آکونی تیک‌اند.

الكالوئیدهای انواع آکونیت را از نظر سمی یا غیر سمی بودن می‌توان به دو دسته زیر تقسیم کرد:

۱- دسته آکونی تین‌ها که موادی سمی با ترکیب شیمیائی درهم می‌باشند.

۲- دسته آتی‌زین‌ها که موادی غیر سمی بوده ترکیب شیمیائی آنها نسبت به دسته اول ساده‌تر است.

از انواع آکونیت‌های کشورهای مختلف، الكالوئیدهای متنوعی با اسامی متفاوت نیز بدست آمده است که هنوز بعضی از آنها بخوبی شناخته نشده‌اند.

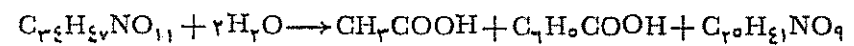
آکونی تین، نخستین بار در سال ۱۸۵۰ میلادی توسط دانشمندی به نام Van Planta به حالت آسرف بدست آمد. بعداً Groves در سال ۱۸۶۰ و Duquesnel در سال ۱۸۷۱ آنرا

به حالت متبلور از گیاه استخراج کردند. این الکالوئید به خوبی در کلروفرم و بنزن حل می شود ولی در آب تقریباً غیر محلول است (نسبت انحلال آن در آب، یک گرم در ۳۰ میلی لیتر می باشد).



ش ۱- Aconitum Napellus : برگ ، سرشاخه گلدار و برش طولی گل
(به اندازه های طبیعی)

از هیدرولیز آکونی تین در مجاورت آب و گرمای ۱۰۰ درجه، مواد زیر حاصل می شود:



آکونین + اسید بنزوئیک + اسید استیک → آب + آکونی تین

آکونی تین که از A. Napellus به دست می آید، در کلیه اندامهای گیاه و در شیر - سلولی غالب یاخته های پارانشیمی یافت می شود. در برگ، بیشتر در اطراف دسته های آوندی، یا در مجاورت روزنه های برگ و یا آنکه در اطراف دسته های آوندی ریشه بوجود می آید. مقدار الکالوئیدها در برگ آکونیت تقریباً شش برابر کمتر از ریشه آن است به علاوه مقدار نسبی آن بر حسب محل رویش گیاه و زمان برداشت محصول، تغییر محسوس نشان می دهد. مقدار آکونی تین در ریشه اولیه آکونیت، معادل ۲۹۶ ر. درصد است ولی در ریشه ای که بعداً در گیاه بوجود می آید، مقدار آن به ۷۱۸ ر. درصد می رسد.

آکونی تین، به صورت بلوریهای شش گوش مسطح متبلور گردیده، بی رنگ، بی بو و فاقد طعم تلخ است ولی اگر روی زبان اثر داده شود، احساس حالت خاصی شبیه مور مور شدن در انسان بوجود می آید. مقدار آن در اعضای گیاه، معادل ۸ درصد مجموع کلی الکالوئیدهاست. نیترات آکونی تین به فرمول HNO_3 ، $C_{34}H_{45}NO_{11}$ است و به صورت بلوریهای بی رنگ متبلور می شود. در گرمای ۲۰۰ درجه تجزیه و ذوب می گردد. سمیت شدید دارد. در آب جوش به مقدار یک گرم در ۱۰ میلی لیتر ولی در آب سرد به مقدار کمتر حل می شود. در الکل محلول است. به مصارف درمانی مشابه آکونی تین می رسد.

ناپل لین Napelline، الکالوئیدی به فرمول $C_{34}H_{45}NO_{11}$ و به وزن ملکولی ۹۰۴ و ۳۵ است. از A. Napellus به دست می آید (۱). فرمول منبسط آن توسط Valentia و Wiesner تعیین گردیده است.

ناپل لین به صورت ورقه های کوچک و مسطح با ظاهر مربع مستطیلی، در مخلوط اتر و اتر دویترول به دست می آید.

اینده آکونی تین Indaconitine، به فرمول $C_{34}H_{45}NO_{11}$ و به وزن ملکولی ۹۰۴ و ۶۳ است. از ریشه A. chasmanthum Stapf به دست می آید (۲). فرمول منبسط آن توسط Marion و Gilmon تعیین گردید.

اینده آکونی تین، به صورت بلوریهای سوزنی شکل در اتر به دست می آید. نقطه ذوب آن در گرمای ۲۰۰ - ۲۰۳ درجه است. اینده آکونی تین و املاح آن، در ردیف سموم بسیار شدید قرار دارند. در استن، کلروفرم، اتر و الکل محلول است ولی در آب و اتر دویترول حل نمی شود.

1- Freudenberg, Rogers, J. Am. Chem. Soc. 59, 2572 (1937).

2 - Dunstan, Andrews, J. Chem. Soc. 87, 1620 (1905).

بروسیدرات آن، به صورت بلوریهایی منشوری شکل در آب (حلال) به دست می آید و نقطه ذوب آن نیز گرمای ۱۸۳-۱۸۷ درجه است.

کلیدرات آن با ۳ ملکول آب تبلور، به صورت بلوریهایی سوزنی شکل در مخلوط الکل و اتر به دست می آید. بسیار جاذب الرطوبه است.

پزودوآکونی تین Pseudoaconitine (آکراکونی تین Aconitine ، فراکونی-تین feracomitine ، نپالین nepaline ، وراترویل آکونین veratroylaconitine ، «English» aconitine ، «Napel» aconitine) ، به فرمول $C_{34}H_{51}NO_{11}$ و به وزن ملکولی ۶۸۹۷۸ است. از غده های زیرزمینی A. ferox Wall. به دست می آید. فرمول نسبت آن توسط Marion و Gilman تعیین شده است.

پزودوآکونی تین، به صورت بلوریهایی سفیدرنگ یا آسف و یا به توده ای غلظت شربت به دست می آید. سمومیت شدید دارد!

نقطه ذوب آن در گرمای ۲۱۴ درجه است. در آب غیر محلول است ولی در الکل و اتر حل می شود.

بیخ آکونی تین Bikhaconitine ، به فرمول $C_{34}H_{51}NO_{11}$ و به وزن ملکولی ۶۷۳۸۲ است. از ریشه A. spicatum Stapf استخراج شده است (1). فرمول نسبت آن توسط Marion و Tsuda تعیین گردید. این الکالوئید به صورت بلوریهایی منشوری (در n. hexane) ، تبلور می شود. در گرمای ۱۶۳-۱۶۴ درجه ذوب می گردد.

لیک آکونی تین Lycaconitine ، به فرمول $C_{34}H_{51}NO_{11}$ و به وزن ملکولی ۶۸۸۷۶ است. از ریشه A. lycoctonum به دست می آید (2). فرمول نسبت آن توسط Kuyovkov و همکارانش تعیین گردید. این الکالوئید به صورت گرسفید رنگ و آسف به دست می آید. نقطه ذوب آن در گرمای ۱۱۱-۱۱۴ درجه است. در آب غیر محلول ولی در الکل ، کلروفرم و اتر حل می شود.

ژه و آکونی تین Jesaconitine به فرمول $C_{34}H_{51}NO_{11}$ و به وزن ملکولی ۶۷۵۱۲ است و از دو نوع آکونیت به نام های A. sachalinense F. Schmidt و A. fischeri Reich. فرمول گسترده آن توسط Ochiai و همکارانش در سال ۱۹۵۵ تعیین گردید. ماده ای است آسف و به صورت گرد که در گرمای ۱۲۸ تا ۱۳۱ درجه تجزیه می شود. در اتر و اسیدهای رقیق حل می گردد.

1 - Dunstsn, Andrews, J. Chem. Soc. 87, 1636 (1905).

2 - Schulz, Bierling, Arch. pharm. 251, 8 (1913).

الکالوئیدهای مختلف دیگری نیز در انواع Aconitum بشرح زیر در بعضی کتب علمی (1) وارد شده ولی در کتب علمی جدید انعکاس ندارد. ازین این الکالوئیدها به ذکر چهار نوع زیر مبادرت می شود:

۱- **نشوپیل لین** Néopelline ، به فرمول $C_{34}H_{51}NO_{11} + 3H_2O$ است و از A. Napellus به دست می آید.

۲- **ژاپ آکونی تین** Japaconitine به فرمول $C_{34}H_{51}NO_{11}$ است و از A. japonicum استخراج می شود.

۳- **مزا آکونی تین** Mésaconitine به فرمول $C_{34}H_{51}NO_{11}$ و همپ آکونی تین Hypaconitine که هر دو از آکونیت های نواحی مختلف اروپا و ژاپن به دست می آید. اسید آکونی تیک Acide aconitique (achilleic acid, equisetetic acid ، citridic acid) ، به فرمول $C_7H_7O_7$ و به وزن ملکولی ۱۷۴۱۱ است. در A. Napellus ، بعضی انواع مختلف Achillea (تیره Compositae) ، Equisetum (از تیره Equisetaceae) و در ریشه چند وونی شکر یافت می شود.

اسید آکونی تیک به صورت ورقه های کوچک و مسطح در آب (حلال) به دست می آید. یک گرم آن در ۵۰ میلی لیتر آب ۱۳ درجه و ۲ میلی لیتر آب ۲۵ درجه محلول است. در ۳ قسمت الکل ۸۸ درصد در گرمای ۱۲ درجه حل می شود. درجه انحلال آن در اتر بسیار کم است. در صنعت پلاستیک سازی مورد استفاده قرار می گیرد.

خواص درمانی - فرآورده های آکونیت، اثر آرام کننده، مخصوصاً در دردهای عصبی مربوط به عصب تری ژوسودارند و چون دارای اثر ضد احتقان و معرق اند، از این جهت در احتقان های ریوی (غلبه خون به ریه ها) همراه با سرفه، در گریپ، ذات الریه، لارنژیت حاد، برونشیت حاد و غیره مؤثراند. در نقرس های حاد و رماتیسم حاد مفصلی اثر منفید دارند.

آزمایشهای دو دانشمند به نامهای P. Rodet و Carpentier (در سال ۱۹۱۰) نشان داده است که در ترك اعتیاد مرفین، ناپیل لین که یکی از الکالوئیدهای آکونیت است، عوارض ناشی از ترك اعتیاد را که عبارت از رنجهای جسمانی، اضطراب و غیره است کاهش می دهد. برای آکونیت، از قدیم الایام اثر مدرقائل بوده اند و مشهور است که دو کاندول، دانشمند گیاه شناس، در موارد آب آوردن بدن، آنرا مؤثر بی دانسته است.

3 - Perrot, Em. Mat. prem. p. 800 (1944).

4 - Mokoshi, Arch. pharm. 247, 243 (1909).

در استعمال خارج، قرار دادن گیاه تازه و له شده بر روی عضو، موجب تسکین دردهای عصبی می‌گردد مشروط بر آنکه انجام این عمل ادامه پیدا نکند زیرا باعث قرمزی و ناراحتی پوست بدن می‌شود.

فراورده‌های آکونیت چون داروهائی بسیار سمی می‌باشند، باید اولاً با تجویز پزشک معالج مصرف شوند و ثانیاً در آغاز، با مقادیر کم شروع گردند زیرا غالباً تأثیر آنها بر روی سخاط، باعث بروز عوارضی نظیر احساس سوزن زدگی در زبان، مسمور شدن بدن و همچنین احساس و تصور تورم در زبان، لب‌ها و چهره می‌گردد.

سمومیت از آکونیت، در آغاز با احساس سوزش در زبان و ناحیه عقب حلق و مور مور شدن شروع می‌شود سپس افزایش ترشح آب دهان، قی و استفراغ پیش می‌آید. سموم، احساس مخصوص جمع شدن اعضای بدن و برعکس (ضخیم شدن) می‌نماید. پوست بدن شدیداً سوزن سوزن می‌شود. ضعف عمومی، سنکوپ، باز شدن سردک چشم، از بین رفتن قوای بینائی و شنوائی و سیانوز (کبود شدن پوست بدن) عارض می‌گردد و خاتماً بی‌نظمی و توقف حرکات تنفسی پیش می‌آید و قلب در حالت دیاستول می‌ایستد و بیمار می‌میرد.

سمومیت از فراورده‌های آکونیت حتی با مصرف مقادیر بسیار کم آنها نیز پیش آمده است مانند آنکه مصرف یک سیلی گرم نیترات آکونی تین، موجبات سرگ را فراهم آورده است. در سمومیت از آکونیت باید اول اسعاب بیمار را با سواد قی آور یا با استفاده از وسایل مکانیکی تخلیه کرد و شستشوی معده را در صورت امکان چند بار تکرار نمود و این عمل را با افزودن سواد نظیر تانن که الکلونید را به حالت غیر محلول در سی آورد و همچنین ید و غیره به مایع شستشو، انجام داد. مشروبات گرم و سواد نیرو دهنده نظیر الکل و شامپانی به بیمار داد ضمناً باید اتر تزریق نمود و در عین حال بدن را به حالت خشک مالش داد. بکار بردن مقدار کم آتروپین برای بازگرداندن نبض ضعیف شده بیمار به حالت عادی و همچنین تقویت حرکات قلب مؤثر است. برای این کار می‌توان از ترکیبات کامفره و دیژیتال نیز استفاده کرد. اگر خطر خفگی در بین باشد باید تنفس مصنوعی داد و استنشاق نیترات آمیل بکار برد.

صورداروئی - الکتور، تنطور ریشه، عصاره الکل ریشه و شربت.

الکتور آکونیت که از برگهای تازه آن (به مقدار مساوی با الکل ۹۰ درجه) تهیه می‌شود به مقدار ۳.۰ تا یک گرم در هر دفعه و ۳ گرم در ۲۴ ساعت برای اشخاص بالغ مصرف می‌شود. هر ۳۰ قطره این الکتور یک گرم وزن دارد و باید طوری تهیه شده باشد که مقدار الکلونیدهای آن از ۱.۰ در هزار تجاوز ننماید. حداکثر مقدار مصرف الکتور آکونیت برای

اشخاص بالغ، یک گرم در هر دفعه و ۰ گرم در ۲۴ ساعت است. الکتور آکونیت از داروهای سمی و خطرناک است (تابلوی C) و باید در مصرف آن نهایت احتیاط بعمل آید.

تنطور ریشه - تنطور ریشه آکونیت که به نسبت ۱/۱ با الکل ۹۰ درجه تهیه می‌شود و باید دارای ۰.۵ گرم در هزار از مجموع الکلونیدها باشد. هر ۷ قطره آن برابر یک گرم وزن دارد. مقدار مصرف آن، ۰.۲ گرم در هر دفعه و ۰.۶ گرم در ۲۴ ساعت برای اشخاص بالغ است. حداکثر مصرف آن برای اشخاص بالغ ۰.۴ گرم در هر دفعه و ۱ گرم در ۲۴ ساعت می‌باشد.

عصاره الکل ریشه - این عصاره که با الکل ۷۰ درجه تهیه می‌شود، دارای یک درصد از الکلونیدهاست و به مقدار ۱.۰ گرم در هر دفعه و ۰.۵ گرم در ۲۴ ساعت برای اشخاص بالغ مصرف می‌شود.

شربت آکونیت - این شربت که به نسبت ۱.۰ در هزار با تنطور ریشه تهیه می‌شود به مقدار ۰.۵ تا ۱.۰ گرم در هر دفعه و ۰.۵ گرم در ۲۴ ساعت برای اشخاص بالغ مصرف می‌شود.

آکونی تین - آکونی تین چون ساده‌ای بسیار خطرناک است به مقدار حداکثره (نیم سیلی گرم) در ۲۴ ساعت برای اشخاص بالغ، آن هم به دفعات ۱/۲ تا ۱/۱ سیلی گرمی باید مصرف شود.

باید توجه داشت که فراورده‌های آکونیت به علت سمیت شدیدی که دارند نباید هیچوقت حتی در موارد ضروری، به مقدار زیادتر مصرف شوند زیرا ممکن است باعث سرگ بیمار گردند و چون مصرف مقدار یک سیلی گرم آکونی تین در ۲۴ ساعت موجبات سرگ را فراهم آورده است، از اینجهت فراورده‌های آن حتماً باید با تجویز پزشک معالج بکار رود.

این گیاه در ایران نمی‌روید ولی احتمالاً ممکن است در بین نمونه‌های زینتی که پرورش می‌یابد وجود داشته و یا به منظور بررسی‌های علمی مورد کشت قرار گیرد.

۱- نسخه جهت رفع درد عصبی صورت

۳ گرم	تنطور ریشه آکونیت
» ۳	» دانه کلشیک
» ۳	» بلادون

مخلوط سواد مذکور باید به مقدار ۱۲ قطره در هر ۶ ساعت جهت رفع درد عصبی صورت مصرف شود.

۲- نسخه جهت درمان تفرس حاد

تنطور ریشه آکونیت ۴ گرم
«دانه کلشیک» ۱۳»

مخلوط تنطورهای مذکور به مقدار ۳۰ قطره در ۳ مرتبه در روز (صبح، ظهر و شب)، مخلوط در تیزان برگ زبان گنجشک (*Fraxinus excelsior*) مصرف می شود. باید همواره در نظر داشت که به مجرد پیدایش حالت استفراغ یا شکم‌روش، از مصرف دارو خودداری به عمل آورد.

آکونیت‌های دیگری هم وجود دارند که آنها نیز سمی و دارای الکلوئیدهای مختلف می باشند. ازین این گیاهان که هیچیک از آنها در ایران نمی رویند، به ذکر چند نوع زیر اکتفا می گردد:

۱- *A. Lycoctonum* * ، *A. septentrionale* Kollé ، که در مناطق کوهستانی اروپا می روید و الکلوئیدهای مختلف آن از دسته آکونی تین است.

از الکلوئیدهای آن، لیکوک تونین Lycoctomine است که ایزوسریدل سونین Delsonine موجود در *Consolida regalis* S. F. Grag. می باشد. این الکلوئید غالباً به حالت استری (ester) ، شباهت لیک آکونی تین در گیاه وجود دارد. لیکوک تونین توسط Hubschmann از گیاه استخراج شده است (1).

لیکوک تونین (روی لین royline) در سایر *Aconitum* ها و در *Delphinium* ها نیز یافت می شود. به فرمول $C_{27}H_{41}NO_6$ و به وزن ملکولی ۴۶۷۰۹ است. مشابهت این الکلوئید با royline ، توسط Edwads و Rodger در سال ۱۹۰۹ محقق گردید.

لیکوک تونین، به حالت متبلور به دست می آید. در گرمای ۱۴۳ درجه ذوب می شود. به مقدار بسیار کم در آب، اثر و بنزن ولی به مقدار نسبتاً زیاد در الکل و کلروفرم محلول است.

۲- *A. Anthora* L. * در جنوب اروپا، در دانه های آهکی کوههای آلپ می روید و ریشه متورم آن نیز شباهت به نوع افی سینال (*A. Napellus*, L. یعنی) دارد با این تفاوت که کوچکتر از آن است.

دانشمندانی نظیر Métin و Goris ، وجود دو الکلوئید را یکی به نام آتی زین Atisine (آنتورین Anthorine) محلول در آب و دیگری به اسم پزودو آنتورین Pseudo - anthorine در گیاه اخیر مشخص نمودند. سمیت هر دو الکلوئید اخیر، از آکونی تین به مراتب کمتر است بطوری

که سمیت آتی زین (آنتورین) در حدود ۱۰۰۰ مرتبه و پزودو آنتورین معادل ۲۵۰ مرتبه از آکونی تین کمتر می باشد.

آتی زین یا آنتورین، علاوه بر گیاه مذکور، از ریشه *Aconitum heterophyllum* Wall. * نیز استخراج شده است.

آتی زین (آنتورین Anthorine) ، به فرمول $C_{27}H_{41}NO_6$ و به وزن ملکولی ۴۶۷۰۹ است. از دو گیاه مذکور استخراج (1) و بعداً سنتز شده است. حالت جامد دارد. در گرمای ۱۵۷-۶۰ درجه ذوب می شود.

آتی زین از نظر درمانی، دارای اثر پائین آورنده درجه گرما در بیماران تب دار است.

۳- *A. ferox* Wall. * ، در دانه های هیمالیا می روید. ریشه ای متورم و ۲ تایی و ساقه ای به ارتفاع ۰.۴ تا ۰.۹ سانتیمتر دارد. گل‌های آن آبی رنگ و سیوه اش به صورت فولیکول دراز است. اهالی هند آنرا Bish یا Bikh می نامند. ریشه آن مؤثرتر از سایر قسمتهای گیاه و در بعضی وارته ها، دارای سمیت شدید است.

* *Hydrastis canadensis* L.

فرانسه : R. jaune ، Racine orange ، Sceau d' or ، Hydraste du Canada

انگلیسی : Golden seal : عربی : ختم ذهبی (Khatm dhahabi)

گیاهی است علفی و چندساله که در جنوب نیویورک، کانادا، اونتاریو، میسوری و نواهی دیگر امریکا می روید. ریزوم آن کوتاه و پوشیده از ریشه های متعدد است و پس از شکستن ، رنگ زرد زیبایی از آن ظاهر می گردد علاوه در طول آن، جوانه های مولد ساقه دیده می شود. ساقه هوایی هیدراستیس، کوتاه و به ارتفاع معادل ۳۰ تا ۵۰ سانتیمتر است. بر روی ساقه آن ۲ یا ۳ برگ پنجه ای و دنداندار ظاهر می شود. گل آن منفرد، به رنگ سفید مایل به سبز و شامل ۳ کامبرگ گلبرگ مانند (Pétaloïde) ، ۴ تا ۵ پرچم و ۵ تا ۱۲ برچه است. دوام گل آن معمولاً در حدود ۵ تا ۶ روز است.

سپوه آن به رنگ قرمز، شبیه یک تمشک بزرگ و دانه اش سیاه و شفاف است.

هیدراستیس با آنکه در منطقه وسیعی از امریکای شمالی می روید، معهذاً امروزه در نواهی مساعد، اقدام به پرورش آن می گردد.

چون تکثیر هیدراستیس از راه دانه، بسیار بطئی انجام می‌گیرد از این نظر معمولاً آنرا از طریق تقسیمات ریزوم، زیاد می‌کنند.

قسمت مورد استفاده این گیاه، ریزوم آن است که از نظر دارا بودن مواد مؤثره حائز اهمیت می‌باشد.

ریزوم هیدراستیس به صورت قطعات نامنظمی به قطر ۰ تا ۱ میلی‌متر و به درازای ۲ تا ۰ سانتیمتر، در بازرگانی عرضه می‌شود. رنگ آن خاکستری قهوه‌ای و غالباً همراه باریشک‌های جانیی است. طعم آن تلخ و بویش ضعیف می‌باشد بعلاوه آب دهان را به رنگ زرد درمی‌آورد.

ترکیبات شیمیائی-ریزوم هیدراستیس شامل الکلونیدهای هیدراستین (hydrastine)، بربرین (berberine) به فرمول $C_{21}H_{19}NO_6$ و کانادین (canadine) است بعلاوه دارای یک ماده رزینی، آمیدون و به مقدار کمی اسانس می‌باشد. در خاکستر آن ۸ درصد آلومین یافت می‌گردد.

هیدراستین، الکلونیدی است سمی به فرمول $C_{21}H_{21}NO_6$ و به وزن سلکولی ۳۸۳٫۳۹ که به صورت بلورهای کوچک و منشوری شکل اورتورومبیک ولی بی‌رنگ و شفاف، متبلور می‌گردد. طعم آن تلخ است. محلولات اسیدی آن در مقابل اجسام اکسیدان، تولید هیدراسی تی نین و اسید اوپیانیک (acide opianique) می‌نمایند.

هیدراستین در استن و بنزن به مقادیر زیاد حل می‌شود. در آب، محلول نیست ولی در گرمای ۱۰ درجه، در ۱۲۰ قسمت الکل ۹۷ درجه حل می‌گردد. نقطه ذوب آن در گرمای ۲۳۲ درجه است.

هیدراس تی نین hydrastinine به فرمول $C_{11}H_{13}NO_3$ و به وزن سلکولی ۲۰۷٫۲۲ است. از اکسیداسیون هیدراستین به دست می‌آید (1). هیدراس تی نین، به صورت بلورهای سوزنی شکل در اثر دوپترول، متبلور می‌گردد. در گرمای ۱۱۷ درجه نیز ذوب می‌شود. در الکل، اثر، کلروفورم و اسیدهای رقیق حل می‌گردد. در آب سرد غیر محلول ولی در آب گرم به مقدار کم محلول است. کلریدرات آن اثر تقویت میوکارد و درمان خونروی‌های رحمی دارد.

کانادین (Canadine) تترا هیدروبربرین tetrahydroberberine، گزانتوپوکسین xanthopuccine)، به فرمول $C_{21}H_{21}NO_6$ و به وزن سلکولی ۳۳۹٫۳۸ است. دارای فرم‌های راست‌گرد (دکستروژیر)، چپ‌گرد (لووژیر) و راسیمیک است. هر سه فرم اخیر در محلول متانول

حل می‌شوند. نوع لووژیر آن در متانول، به حالت متبلور به دست می‌آید. نقطه ذوب آنها به ترتیب گرمای ۱۳۲، ۱۳۰ و ۱۷۲ درجه است.

کانادین از نظر درمانی دارای اثر مسکن وشل کننده عضلات (muscle relaxant) است. کانادین از *Gorydalis tuberosa DC.* نیز به دست می‌آید.

هیدراستین معمولاً در پارانشیم استوانه مرکزی ریزوم جمع می‌گردد در صورتی که بربرین، در منطقه قشری و پارانشیم اطراف آوند‌های چوبی فراوان است.

خواص درمانی- فراورده‌های هیدراستیس و همچنین هیدراستین و هیدراس تی نین، اثر تنگ کننده مجاری عروق و بندآورنده خون دارند. در موارد خونروی در فواصل قاعدگی و در خونروی‌های رحمی، خون آمدن از سینه و در بواسیر بکار می‌روند.

در خونروی‌های رحمی، باید قبل از وقوع قاعدگی به بیمار داده شود. مصرف آن به عنوان مقوی معده، توصیه شده است.

در استعمال خارج، هیدراستیس به علت دارا بودن اثر قابض، در موارد مختلف نظیر ترك و شقاق پستان، قرحه‌های واریسی، شکاف و خراش ناحیه مقعد بکار می‌رود.

صورت دارویی- ریزوم هیدراستیس در صبارف داخلی به صورت عصاره روان به مقدار ۰٫۵ تا ۱ گرم به دفعات ۳ قطره‌ای، تنطور ۱/۰ به مقدار ۰٫۵ تا ۳ گرم در روز (۱)، عصاره الکل به مقدار ۰٫۵ تا ۱ گرم به صورت حب مصرف می‌شود.

مقدار مصرف هیدراستین، ۰٫۵ تا ۲٫۰ گرم برای اشخاص بالغ در روز است. عصاره روان و تنطور هیدراستیس غالباً با هاماملیس Hamamelis که گیاهی از تیره Hamamelidaceae است تجویز می‌گردد و چون همیشه پس از اختلاط آنها، الکلونیدهای هیدراستیس بر اثر تانن هاماملیس، رسوب نموده، مخلوط کدری حاصل می‌شود از این نظر برای جلوگیری از این عمل، معمولاً مقداری گلیسرین و الکل بدان می‌افزایند.

هیدراستیس اختصاصاً در امریکا، مخصوصاً نواحی مختلف امریکای شمالی می‌روید.

نسخه جهت درمان ترك و شقاق پستان

عصاره روان هیدراستیس	۱۰ گرم
اسیدپوریک	۳
گلیسرین	۱۰۰
آب به مقدار کافی تا	۲۰۰

پس از صاف کردن، بصورت مالیدن بر روی عضو استفاده شود. این گیاه در ایران نمی‌روید.

۱- کلیه مقادیر مصرفی داروها که در این کتاب ذکر می‌شود برای اشخاص بالغ است و اگر منظور، مصرف داروها برای اطفال باشد، حتماً با ذکر کلمه اطفال همراه خواهد بود.

* *Adonis vernalis* L.

A. pratensis Ledeb., A. parviflora Janka

فرانسه : Oeil du diable , Hellébore bâtarde , Adonide de printemps

انگلیسی : False hellebore , Pheasant's eye , Ox - eye , Spring Adonis

آلمانی : Adonisröschen , Falsche nieswurz , Frühlings Teufelsauge

ایتالیائی : Occhio del diavolo , Elleboro bastardo

عربی : آدونیس ریسی

گیاهی علفی ، چند ساله ، زیبا و دارای ریزوم ضخیم و ریشه های تیره رنگ است. در فرانسه ، اسپانیا ، سوئیس ، ایتالیا ، آلمان ، جزایر بالتیک ، بوهیم و غیره می روید به علاوه عنوان یک گیاه دارویی و زینتی غالباً پرورش می یابد.

از ریشه تیره رنگ این گیاه در بهار هر سال ، شاخه های برگدار متعددی خارج می شود که از بین آنها منحصرأ ، معدودی دارای گل می گردند. از مشخصات این گیاه آن است که برگهای قاعده آن فلس مانند ، ولی برگهای واقع بر روی ساقه آن ، غلاف دار ، برگ سبز زیبا و دارای بریدگیهای بسیار است. برگهای اخیر پس از خشک شدن ، تغییر رنگ حاصل کرده به رنگ مایل به خاکستری در می آیند.

گلهای درشت و زیبای آدونیس ، رنگ زرد دارد و بطور منفرد بر روی شاخه های گیاه ظاهر می شوند. هر گل آن شامل ۶ کاسبرگ سبز ، ۱۳ تا ۱۸ گلبرگ دنداندار و تعداد زیادی پرچم است. برچه های آن متعدد و دارای وضع آزادند. رأس کاسبرگهای آدونیس ، رنگ قرمز شرابی دارد. برگها و ساقه این گیاه ، دارای مصارف دارویی است.

ترکیبات شیمیائی - آدونیس ورنالیس دارای اسید آکونی تیک ، یک گلوکزید آسرف و ناخالص به نام آدونیدین adonidine و نوعی قند به نام آدونیتول adonitol (آدونیت adonite) است.

J. Mercier L. و F. Mercier ، دو هتروزید آسرف یکی به نام آدونیدوزید adonidoside (به مقدار زیاد محلول در آب و الکل ولی غیر محلول در کلروفرم) و دیگری آدونیدوزید adonivernoside (تقریباً غیر محلول در آب ولی محلول در الکل و کلروفرم) از این گیاه بدست آوردند. مخلوط دو ماده اخیر ، به مقدار ۲ تا ۵ میلی گرم ، اثر مقوی قلب و مدر دارد .

از هیدرولیز آدونیدین ، نوعی قند و یک ماده رزینی حاصل می شود. در این گیاه وجود ماده ای به نام آدونیتوکسین adonitoxine نیز ذکر شده است.

آدونیتول (ریسی تول Ribitol ، آدونیت adonite) نوعی قند کربنی به فرمول

 $C_6H_{12}O_6$ و به وزن ملکولی ۱۸۰ است که از گیاه مذکور و همچنین از *A. amurensis* L.

به دست آمده است (۱).

ش ۲ - *Adonis vernalis* : ریزوم ، میوه و سرشاخه گلدار (به اندازه طبیعی)

آدونیتول ، به صورت بلورهای درشت به دست می آید. نقطه ذوب آن ، در گرمای ۱۰۲ درجه

است. محلول فلهینگ را احیاء نمی کند. به مقادیر زیاد در آب و الکل گرم حل می شود ولی در اتر غیر محلول است.

آدونئی توکسین به فرمول $C_{29}H_{42}O_1$ و به وزن ملکولی ۴۳۰.۰۰ است و از گیاه مذکور (*A. vernalis*) استخراج شده است (1).

آدونئی توکسین به حالت متبلور در مخلوط کلروفرم، متانول و اتر به دست می آید. در گرمای ۲۵۱-۲۵۸ درجه نیز تجزیه می شود.

خواص درمانی - از آدونیس ورنالیس سابقاً در اماکنی که این گیاه بحالت خودرو می روئیده مخصوصاً در نواحی جنوبی روسیه، در موارد آب آوردن انساج بدن، استفاده بعمل می آمده است. آدونیس ورنالیس، اثر مقوی، مدر و معالج بیماری صرع دارند.

آدونیس ورنالیس به خلاف دیژیتال در بدن جمع نمی گردد. اثرات آن در بدن با آنکه خفیف تر از دیژیتال است معهداً سریع تر از آن ظاهر می شود و از این جهت است که بعضی از دانشمندان مانند E. Meyer و Gottlieb اظهار داشته اند که گلوکزیدهای آن مشابهت بیشتر با گلوکزیدهای پیازسیل (*Scille*) و استروفانتوس، تا دیژیتال دارند.

پس از مصرف آدونیس ورنالیس، قلب افزایش حجم پیدا نمی کند و بعلاوه صداهای قلبی مخصوصاً در مرحله سیستول، واضح تر و قویتر می گردد. ضمناً با مصرف آن ضربان نبض تنظیم می شود.

فراورده های آدونیس ورنالیس در بسیاری از بیماریهای قلبی حاد و در موارد ورم پرده بیرونی دل، ورم ماهیچه قلب (*myocardite* - میوکاردیت) و آندوکار دیت مصرف دارند. فقط باید دانست که در تصلب شرایین و بیماریهای قلبی منشأ شریانی (*cardiopathies artérielles*) در مرحله جبرانی و نفرت بین نسجی، به علت آنکه عمل زیاد کننده فشار خون دارند، تجویز نشوند.

مصرف آن در طپش قلب، خفقان صدی (*angine de poitrine*)، نارسائی دریچه میترا و آورت، ضعف قلب، ناراحتی های قلبی منشأ بیماریهای عفونی، گریپ، ذات الریه، تیفوئید، آبله و غیره اثر مفید دارد.

از محاسن آدونیس ورنالیس این است که مصرف آن ایجاد عادت در بیمار نمی کند و بعلاوه مواد مؤثر آن به خلاف دیژیتال در بدن جمع نمی شود. از این نظر می توان مصرف آنرا

1 - Katz, Reichsteine, pharm. Acta Helv. 22, 437 (1947).

برای مدتی نسبتاً طولانی ادامه داد. دم کرده آن با آنکه طعم تلخ دارد، عدم تحمل در بیمار ایجاد نمی کند، فقط گاهی ترشح آب دهان را افزایش می دهد.

بامصرف فراورده های آدونیس، حجم ادرار زیاد می شود بطوری که مقدار دفع آن از ۲۰۰ تا ۳۰۰ گرم به ۲ تا ۳ لیتر در ۲۴ ساعت می رسد. باین عمل در ناراحتیهای قلبی مشاه بیماریهای عفونی، تجویز می گردند زیرا به علت دفع مقدار زیاد ادرار که مسلماً سموم مختلف همراه دارد، سوجبات تقویت قلب را فراهم می آورند.

آدونیس در آب آوردن و همچنین خیز (گرد آمدن آب در زیر پوست) اندامهای سافله بدن، ورم کلیه همراه با اختلالات قلبی و غیره مصرف دارد. مصرف فراورده های آدونیس در رفع چاقی نیز مؤثر است بطوری که با مصرف تنطوری آن، وزن بدن تدریجاً کاهش حاصل می کند. در بیماری صرع، از فراورده های آدونیس مخلوط با پروسور و کافئین، نتایج خوب گرفته شده است (*Bechterew* در سال ۱۹۲۵) و همچنین در داء الرقص از آن استفاده بعمل آمده است.

صورداروئی - آدونیس ورنالیس، به صورت دم کرده، عصاره روان و تنطوری مورد مصرف قرار می گیرد. دم کرده آن که به مقدار ۲ تا ۴ گرم در ۲۰۰ گرم آب مقطر به دست می آید، در طی چند دفعه در ۲۴ ساعت مصرف می شود. از معایب آن فقط این است که طعم بسیار تلخ دارد و ترشحات آب دهان را زیاد می کند.

عصاره روان آدونیس به مقدار ۱ تا ۳ گرم در ۲۴ ساعت به کار می رود. هر ۰۰۰ قطره این عصاره برابر یک گرم وزن دارد. تنطوری ۱/۰ آن به مقدار ۲ تا ۸ گرم در ۲۴ ساعت مصرف می شود. شیره تازه و استابیلیز آدونیس نیز به مقدار ۲ تا ۴ قاشق قهوه خوری در روز مصرف دارد. برای این کار باید شیره تازه را در کمی آب قند مخلوط کرده قبل از غذا مصرف کرد.

آدونیدین که ماده مؤثر گیاه است، به مقدار ۰ تا ۲ میلیگرم در روز به صورت گرانول های محتوی ۳ تا ۵ میلیگرم بکار می رود.

آدونیس ورنالیس در ایران نمی روید ولی گونه های دیگر آن به شرح زیر که اثر درمانی مشابه ولی به صورت خفیف دارند در ایران یافت می شوند:

Adonis aestivalis L.

فرانسه: *Adonide d'été*, *Adonide aestivale*, *Goutte de sang*

انگلیسی: *Pheasant's eye*, *Summur adonis* ایتالیائی: *Adonide d'estate*

آلمانی: *Sommer Teufelsauge* عربی: ادونس استفالس (*Adonis istifalis*)

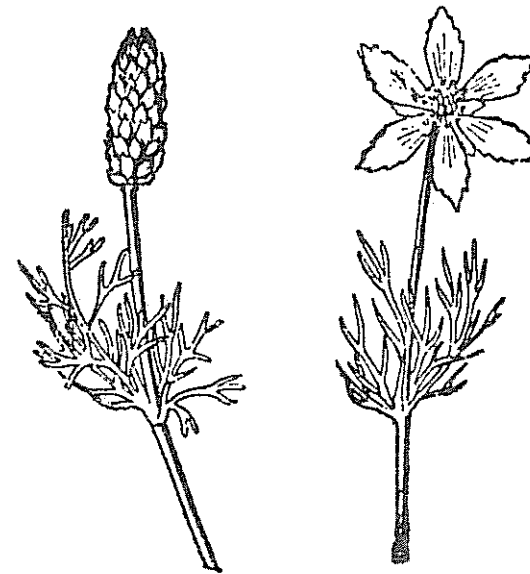
گیاهی علفی، یک ساله یا دو ساله و دارای ساقه ای به ارتفاع ۲ تا ۵ سانتیمتر است.

در مزارع، کنار جاده‌ها و اماکن مرطوب می‌روید و گل‌های زیبای آن که رنگ قرمزخونی دارند در ماه‌های اردیبهشت تا سرداد ظاهر می‌گردند. به ندرت نیز بعضی از پایه‌های آن مسکن است گل‌های قرمز مایل به زرد پیدا نماید. در منطقه وسیعی از اروپا، شمال آفریقا و نواحی غربی و مرکزی آسیا منجمه ایران پراکندگی دارد. از مشخصات آن اینست که ریشه باریک دراز و برگ‌هایی با بریدگی‌های بسیار، نخ‌شکل و عاری از تار دارد ضمناً لکه تیره رنگی در قاعده گلبرگ‌های آن دیده می‌شود که بهترین وسیله تشخیص گیاه است. میوه‌اش از فندقه‌هایی تشکیل می‌یابد که مجموعاً ظاهر استوانه‌ای شکل پیدا می‌کند.

با پرورش این گیاه، نمونه‌هایی با گلبرگ‌های مضاعف، پرپر و بدرنگ‌های متفاوت بدست آمده است.

ترکیبات شیمیائی - خاکستر گیاه، معادل ۰.۴۰ درصد اکسید منگنز در بر دارد ضمناً بررسی‌های دقیق، وجود مقدار کم لیتیوم را در اعضای گیاه مشخص داشته است (Hein, Tschermak, Focke). بعلاوه N. Komer، گلوکزیدی با ترکیب شیمیائی نامعین از آن بدست آورده است که اثر درمانی آن ۰.۰۲ مرتبه کمتر از آدونیدین گیاه افی سینال (یعنی A. vernalis) طبق بررسی‌های Kobert در سال ۱۹۱۶ تشخیص داده شده است.

خواص درمانی - از کلیه قسمت‌های گیاه به‌عنوان مدر و مقوی قلب استفاده بعمل می‌آید. برای گل‌های آن اثر ملین، مدر و حل‌کننده سنگ کلیه قائل‌اند.



ش ۳- سرشاخه‌های گلدار و میوه‌دار (به اندازه طبیعی)

محل رویش - اطراف تهران: کرج، ورامین. دزفول: هفت تپه (کناره جاده). گیلان: همارلو (ایسبیلی). خرم‌آباد، بروجرد، اصفهان، نزدیک بوشهر، شیراز، بلوچستان. از A. microcarpa Jacq. و A. flammula L. نیز برای مصارف درمانی مشابه، استفاده بعمل می‌آید.

گونه اول از دو گیاه اخیر در کرج، اطراف سفید رود، منجیل، باچنار، بروجرد و گونه دوم در کرج شهرستانک، آذربایجان، اراک، کوه خرقان، همدان، بوشهر، مسجد سلیمان و شیرازی روید. از گونه دوم بیشتر جهت رفع آب آوردن انساج، در گذشته استفاده بعمل می‌آمده است.

* Anemone Pulsatilla L.

Pulsatilla vulgaris Mill, A. pratensis Sibth.

فرانسه : Herbe au vent, Fleur aux dames, Coquerelle, Pulsatille

انگلیسی : Pasque flower, Pasque flower, Gemeine Kuschenschelle, Kuchenschelle

ایتالیائی : Erba del vento, Fiore di vento, Coronaria, Pulsatilla

فارسی : شقایق نعمانی (۱) - عربی : شقیق النعمان، شقر Shaqar، هوایه

گیاهی است علفی، زیبا و به ارتفاع ۱۰ تا ۴۰ سانتیمتر که در چمنزارها و زمین‌های سیلیسی غالب نواحی اروپا مخصوصاً منطقه مدیترانه می‌روید. برگ‌های آن دارای بریدگی‌های بسیار، مرکب از قطعات باریک و نوک‌تیز و گل‌های آن منفرد، زیبا و بدرنگ بنفش یا مایل به قرمز است. ساقه، برگ، دسگل و همچنین سطح خارجی پوشش گل آن از تارهای ظریف فراوان پوشیده می‌باشد. گل آنمون پس از ظاهر شدن، وضع قائم بر روی ساقه دارد ولی بعداً خمیدگی حاصل کرده با وزش باد دائماً به حرکت در می‌آید. در گل آن قطعه رنگی مشاهده می‌شود که ظاهر گلبرگ مانند دارند در حالی که کاسبرگ‌های گیاه‌اند که بدان صورت جلوه می‌کنند یعنی در واقع این گیاه عاری از گلبرگ ولی دارای کاسبرگ‌های گلبرگ مانند است.

در زیر کاسه رنگی آنمون، حلقه‌ای از زوائد برگ مانند ولی باریک و نخ‌شکل (انولوکر involucre) دیده می‌شود. گل آنمون فاقد بو می‌باشد. طعم گس و سوزاننده دارد. اگر له شده گیاه بر روی پوست بدن مالیده شود، تحریک شدید جلدی ایجاد می‌کند.

۱- این گیاه در ایران نیست ولی در کتب فارسی مختلف، آنرا با توجه به نام عربی گیاه، شقایق نعمانی نام نهاده‌اند. ضمناً این نام به همه گونه‌های دیگر مخصوصاً آنهایی که گل‌های درشت و یا بدرنگ شقایق دارند اطلاق شده است.

ترکیبات شیمیائی آنمون دارای سوادى نظیر آنمونین (anemone camphor) anémone، سید آنمونیک و اسید ایزو آنمونیک است.



ش ۳- Anemone Pulsatilla : گیاه کامل گلدار (اندازه طبیعی)

ماده مؤثر و فعال آنمون، جسمی به حالت سابع و فرار است که به سهولت اکسیده شده

باعث پیدایش ماده‌ای به نام آنمونین به فرمول $C_{11}H_{18}O_6$ و به وزن ملکولی ۲۶۱٫۶۱۴ می‌گردد. این ماده شباهت به کانثاریدین cantharidine دارد و مانند آن اگر به پوست بدن اثر داده شود ایجاد تاول می‌کند.

مطالعات دانشمندانی نظیر Fujita و Asahina در سال ۱۹۴۰ نشان داد که جسم فرار مذکور، در آغاز شامل پروتوآنمونین و اسید آنمونیک است بعداً ۳ ملکول پروتو آنمونین آن، متراکم گردیده به صورت آنمونین تغییر شکل حاصل می‌کند.

آنمونین، به صورت بلورهای سوزنی شکل و بیرنگ تبلور می‌شود. در آب به مقدار جزئی ولی در آب گرم به مقدار بیشتر حل می‌شود. در الکل گرم، کلروفرم و قلیائیات محلول است. در اتر حل نمی‌شود. با قلیائیات، محلول زرد رنگ ایجاد می‌کند. نقطه ذوب آن گرمای ۱۵۷-۱۵۸ درجه است.

آنمونین از گیاهان دیگر تیره Ranunculaceae مانند Ranunculus acer L. نیز استخراج شده است (1). سنتز آن توسط Sugiyama و همکارانش انجام گرفته است (2).

در آنمون مواد دیگری نظیر اسید ایزو آنمونیک، تانن، یک ماده رزینی و نوعی ساپونین (طبق مطالعات Luft در سال ۱۹۳۶) یافت می‌شود. ماده اخیر بطوری که M. Rober (در سال ۱۹۳۷) نشان داد، در گل و برگهای آنمون پولساتی، بصورت فراوانتر وجود دارد.

پروتوآنمونین (Protoanemone (Isomycin)، به فرمول $C_{11}H_{18}O_6$ و به وزن-ملکولی ۲۶۱٫۶۱۴ است. ماده اصلی و ضدباکتری A. Pulsatilla می‌باشد. به حالت گلوکزیدی در گیاه وجود دارد ولی بعداً تحت اثر نوعی آنزیم و بر اثر خیساندن، در بافت‌های گیاه آزاد می‌شود. استخراج آن توسط Fujita و Asahina (3) و فرمول نسبت و سنتز آن نیز توسط دو محقق مذکور انجام گرفته است.

پروتوآنمونین، به حالت مایعی روغنی و به رنگ زرد روشن است. در کلروفرم حل می‌شود. درجه انحلال آن در آب، معادل ۱/۱۰۰ می‌باشد. دارای اثر ضد باکتری است.

1 - Zecher, Wohlmuth, Sci. Pharm. 22, 95 (1954); C. A. 48, 13169 b

(1954).

2 - Sugiyama et al., C. A. 67, 116604 n (1967).

3 - Asahina, Fujita, Acta Phytochim. Japon 1. 1 (1922).

خواص درمانی - فراورده‌های آنمون، سابقاً مصرف زیاد در پزشکی داشته‌اند ولی امروزه با آنکه زیاد بکار نمی‌روند معهداً در بسیاری موارد هنوز از آنها استفاده بعمل می‌آید.

آنمون، اثر آرام‌کننده دردهای رحمی و ورم بیضه دارد به علاوه منظم‌کننده حالت قاعدگی است. از این نظر در سواردی که قاعدگی به اشکال صورت می‌گیرد و غالباً با درد همراه می‌باشد (قاعدگی دردناک)، همچنین در مواقع تأخیر و قطع حالت قاعدگی در زنان جوان، مورد استفاده قرار می‌گیرد. در آسم، سیاه سرفه و دردهای عصبی نیز مصرف گردیده، اثر ضد نزه و آرام‌کننده سرفه‌های تشنج‌آور دارد.

صورت دارویی - در مصارف داخلی، باید فراورده‌های آنمون را که از گیاه تازه بدست آمده است مصرف نمود. بهترین صورت دارویی آن، الکل‌تور آنمون است که از گل و برگهای تازه گیاه بدست می‌آید (کدکس). این الکل‌تور به مقدار ۱۰ قطره در هر دفعه و ۵ تا ۶ قطره در ۳ ساعت برای اشخاص بالغ مصرف می‌شود. گرد آنمون به مقدار ۲۰ تا ۴۰ گرم، عصاره آبی آن به مقدار ۱۰ تا ۳۰ گرم و عصاره الکلی آن به مقدار ۱۰ تا ۲۰ گرم در ۳ ساعت برای اشخاص بالغ مصرف می‌گردد.

آنمون در عین حال که یک گیاه دارویی است، به علت سمیتی که مصرف زیاد آن دارد، باید در نهایت احتیاط بکار رود.

سمومیت در سمومیت از آنمون حالات زیر پیش می‌آید:

سوزش در دهان و حلق، ورم مخاط دهان، ترشح خارج از حد آب دهان، التهاب شدید لوله گوارش، قی، قولنج‌های دردناک، حالت اسهالی، ورم کلیه‌ها، تحریک ترشحات ادرار که مقداری خون در آن دیده می‌شود، احساس درد و ناراحتی در هنگام دفع ادرار، احساس ضعف که گاهی با تشنجات همراه است، ناراحتیهای قلبی و اختلالات تنفسی.

برای رفع سمومیت، اول باید سعه بیمار را با مواد قوی آورتخلیه کرد. ضمناً غذای حیوانی، مواد لبنی، داروهای مدر (مدرهای نمکی) و همچنین مواد نیرودهنده، به شخص مسموم خوراند. این نوع آنمون در ایران نمی‌روید ولی گونه‌های دیگری از آن در کشور ما یافت می‌شود که اثر درمانی ندارند.

در بین Anemone ها، نمونه‌های دارویی کم ارزش نیز یافت می‌شود که به علت موجود نبودن در ایران، به شرح مختصر آنها اکتفا می‌گردد.

Anemone Hepatica L. *، Hepatica triloba Chaix، گیاهی کوچک، زیبا،

به ارتفاع ۵ تا ۲۰ سانتیمتر و دارای برگهای ضخیم، شفاف و مرکب از ۳ لوب عاری از دندانه می‌باشد. گل آن به رنگ آبی، سوسنی یا گلی و بسیار زیباست. به حالت وحشی در کوهستانها و دامنه‌های سنگی، در ارتفاعات متجاوز از ۴۰۰۰ متر می‌روید. در غالب نواحی نیمکره شمالی پراکنده دارد.



ش ۵ - *Anemone Hepatica*: گیاه کامل گلدار (×۱)

گیاهی است سمی ولی چون به حالت خشک، سمیت خود را به مقدار زیاد از دست می‌دهد، از این جهت سابقاً در طب عوام به عنوان مدر و قابض مصرف داشته است. هیچ گونه مصارف درمانی امروزه ندارد.

*** Anemone nemorosa L.**

فرانسه : *Anémone des bois*, Sylvie، Bassinet blanc، *B. purpurin*

انگلیسی : *Wood Anemone* آلمانی : *Busch Windröschen*

ایتالیائی : *Anemolo bianco* عربی : سبکه الجبال (*Sakbah el gabāl*)

گیاهی است زیبا که در جنگلها، دشت‌های مرطوب و همچنین در حاشیه مزارع و اماکن نظیر آن دیده می‌شود. در مدیترانه فراوان است ولی در ایران نمی‌روید. ظاهر گیاه به صورتی است

که سهولت می توان آنرا تشخیص داد زیرا دارای یک برگ درقاعده ساقه و سه برگ با تقسیمات عمیق در قسمت پائین گل است. ساقه گلدار آن منحصرآ به یک گل سفید رنگ یا سفید مایل به بنفش ختم می شود.

این گیاه به علت سمیت زیادی که دارد منحصرآ در استعمال خارج ممکن است مصرف داشته باشد. در مصارف داخلی تلفات زیاد وارد آورده است.

در استعمال خارج، اگر له شده آن بر روی پوست بدن اثر داده شود، در مدت بسیار کم ایجاد درد و سوختگی می نماید. از این نظر است که با رعایت احتیاط، به عنوان قرمز کننده پوست در تقرس، روماتیسم، فلج و غیره سابقاً به کار می رفته است.

در هر حال چون مصارف خارجی آن نیز خطرناک است و ادامه آن عوارض شدید فراهم می آورد، مصرف آن امروزه بکلی متروک گردیده است.

Anemone pratensis L. * و *A. montana* Hopp. ex Sturn. *، در ردیف

انواع داروئی این گیاهان، در کتب داروئی ذکر شده است. نوع اول از دو گیاه اخیر در آلپ و نواحی مختلف اروپای مرکزی پراکندگی دارد.

* *Delphinium Staphysagria* L.

فرانسه : *H. aux poux* ، *Staphisaigre* ، *Dauphinelle staphisaigre* ؛

انگلیسی : *Lousewort* ، *S. Larkspur* ، *Stavesacre* ، *Louseseed* ؛

آلمانی : *Stephanskraut* ، *Laüsekraut* ، *Scharfer rittersporn* ؛

ایتالیائی : *Calcatrippa stafisagria* ، *Stafusagria* ، *Vitifolia* ، *Tusano* ؛

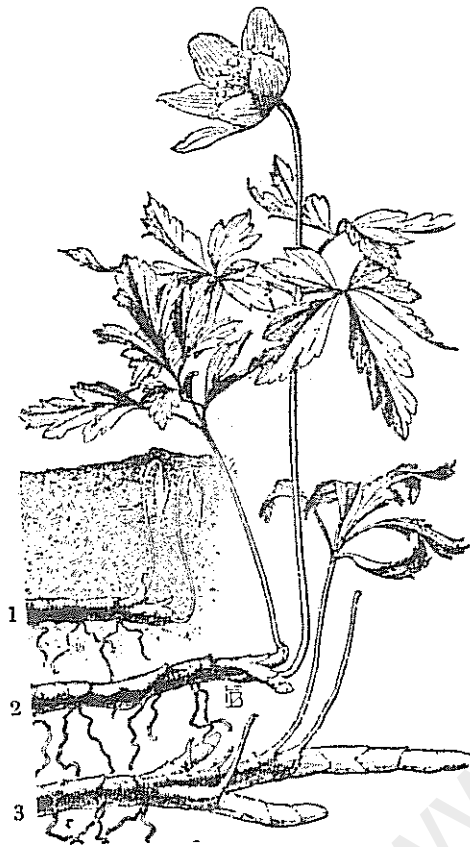
عربی : *زیب الجبل*، *زیب بری*

استافیزگر، گیاهی دو ساله و به ارتفاع معادل یک متر است. منشاء اولیه آن، نواحی مدیترانه حدس زده می شود ولی امروزه بعثت آنکه یک گیاه زینتی است، در بعضی نقاط پرورش می یابد.

برگهای این گیاه، پنجه ای و شاسل ه تا ۶ لوب است. گلهايش به رنگ بنفش یا سفید، دارای دنباله ای کوتاه و مجتمع به صورت خوشه است. میوه اش مرکب از ۳ تا ۵ فولیکول متورم و محتوی دانه های تیره رنگ، نامنظم و زاویه دار می باشد.

از دانه آن که تنها قسمت مورد استفاده و دارای اثر بسیار سمی است، سابقاً استفاده های

درمانی بعمل می آمده است. دانه له شده آن، بوی قوی و نامطبوع دارد. طعم دانه تلخ و ناپسند است. ترکیبات شیمیائی - دانه این گیاه دارای الکلوئیدهایی است که مجموعاً یک درصد آنرا تشکیل می دهند و عبارت از *دلفینی نین delphinine* ، *دلفنی نوئیدین delphinoïdine* ، *دلفنی زین delphisine* و *استافیزاگرین staphysagrine* است.



ش - *Anemone nemorosa* : ریزوم و سرشاخه گلدار (اندازه طبیعی)

دلفنی نین، الکلوئیدی است بسیار سمی، به فرمول $C_{20}H_{25}NO_9$ و به وزن ملکولی ۴۹۹٫۷۰ که از دانه گیاه مذکور استخراج (۱) و فرمول منبسط آن نیز توسط Jacobs و Pelletier تعیین گردیده است (۲).

1 - Markwood, J. Am. Pharm. Assoc. 16, 928, (1927).

2 - Jacobs, Pelletier, J. Am. Chem. Soc. 78. 3542, (1956).

دلفی‌نین، به صورت بلوریه‌های ارتورومبیک، شش وجهی مسطح، در الکل به دست می‌آید. نقطه ذوب آن، گرمای ۱۹۷.۵ تا ۱۹۹ درجه است. در آب غیر محلول ولی در ۲۵ قسمت الکل، ۲ قسمت کلروفورم و ۱۰ قسمت اتر حل می‌شود. دلفی‌نین، سمیت زیاد دارد و اثر آن در انسان مشابه آکونی‌تین می‌باشد.



ش ۷ - Delphinium Staphysagria : برگ، سرشاخه گلدار، گل عاری از پوشش و میوه (اندازه‌های طبیعی)

دلفی‌نوئیدین، ماده‌ای است با سمیت بسیار کم که به صورت آبرق، از دانه گیاه مذکور بدست آمده است. دلفی‌زین، یک ایزومر دلفی‌نین است ولی سمیت آن دو برابر ماده اخیر می‌باشد.

بررسی‌های علمی Katz که در سال ۱۹۰۰ صورت گرفت نشان داد که الکلوئیدهای دانه این گیاه منحصر به دلفی‌نین و استافیزاگروئین staphysagroïne است و اگر الکلوئیدهای دیگری در گیاه مشاهده می‌شود، حاصل تجزیه ساده دو الکلوئید مذکور می‌باشد.

در آلبومن دانه استافیزگر، علاوه بر الکلوئیدهای مذکور، نوعی ماده روغنی به مقدار ۳ تا ۵ درصد وجود دارد که تحت اثر فشار و یا حلالهای خنثی از آن استخراج می‌شود و چون ضمن استخراج روغن، الکلوئیدهای سمی دانه مخصوصاً دلفی‌نین، از آن آزاد می‌گردد، از این جهت برای جدا کردن این الکلوئیدها از روغن، کمی اسید تارتریک در آب حل کرده به روغن می‌افزایند، تا الکلوئیدها از آن جدا گردد.

خواص درمانی - دانه استافیزگر، به علت دارا بودن الکلوئیدهای سمی مخصوصاً دو الکلوئید دلفی‌نین و دلفی‌زین، سمیت شدید ایجاد می‌کند. از این نظر مصارف داخلی دانه این گیاه امروزه بکلی از بین رفته است.

در قدیم‌الایام از دانه این گیاه به عنوان رفع تشنج در کزاز، هاری، صرع و همچنین در دردهای عصبی نظیر دردهای صورت مربوط به عصب تری ژومو و به عنوان قی‌آور-سهل، آنهم در نهایت احتیاط استفاده بعمل می‌آمد. ضمناً در دامپزشکی به منظور دفع طفیلی آنهم در استعمال خارج بکار می‌رفته است.

در استعمال خارج، اثر دادن دانه له شده این گیاه به پوست بدن که قشر سطحی آن به علت خراش یا زخم برداشته شده باشد، خطرناک است زیرا تحریکات شدید جلدی فراهم می‌آورد. در طب عوام از دانه این گیاه به صورت گرد، برای دفع شپش موی سر استفاده بعمل می‌آمده است ولی بارها این عمل ایجاد تحریکات شدید پوست سر و ناراحتی در استعمال خارج نموده است. صورت دارویی - مصارف داخلی دانه این گیاه بسیار خطرناک است از این نظر سابقاً در استعمال خارج، گرد آنرا جهت دفع شپش موی سر بکار می‌بردند. از صور دارویی دیگر این گیاه، پماد ۱/۴ آن در استعمال خارج است. دانه استافیزگر در فرمول گرد کاپوسین Capucine، جهت دفع شپش وارد است.

گرد کاپوسین از دانه Cévadille (۱)، دانه Staphysaigre، دانه جعفری و برگ توتون به مقدار مساوی از هر یک، تهیه می‌شود.

۱ - Cévadille گیاهی تک‌لپه به نام Schoenocaulon officinale Asa Gray از تیره Colchicaceae است. در مکزیک و امریکای مرکزی می‌روید ولی در ایران یافت نمی‌شود.